



An Examination and Analysis of the Precedence of Warning over Glad Tidings or Vice Versa in the Holy Quran, Emphasizing the Interpretative Views of Ayatollah Javadi Amoli *

Ali Hemmat Benari and ¹ Marziyeh Zeaïi ²

Abstract



The domains of education and upbringing are fundamentally linked to the development and enhancement of human beings and their moral lives. Given the inherent complexity of human nature, the processes of education and upbringing are correspondingly multifaceted, requiring the establishment of foundational elements and the application of diverse pedagogical strategies. Among these strategies are the concepts of warning (inzar) and glad tidings (tabshir). A pivotal inquiry arises regarding the precedence of these two concepts: does warning hold greater significance than glad tidings, or vice versa? Alternatively, might there be a third viewpoint? This study employs a descriptive-analytical methodology to explore these questions, drawing upon the interpretative insights of Ayatollah Javadi-Amoli. The results reveal that there are compelling arguments supporting both positions. On one hand, verses that highlight the singular importance of warning, the more profound effects of warning compared to glad tidings, the preventive nature of warning, and the higher occurrence of the term "warning" and its derivatives relative to "glad tidings" lend credence to the notion that warning precedes glad tidings. On the other hand, evidence such as the extensive use of glad tidings and its positive implications in the Quran, the overarching nature of divine mercy over punishment, the precedence of glad tidings before warnings, and the relative simplicity of achieving glad tidings compared to warnings support the argument for the primacy of glad tidings. It seems that a third perspective may be valid: the relativity of precedence and superiority, which varies according to specific circumstances and individual contexts. In particular situations and for certain individuals, warning may take precedence, while in other contexts and for different individuals, glad tidings may be prioritized; thus, these two approaches serve to complement one another.

Keywords: Warning, Glad Tidings, Precedence of Warning over Glad Tidings, Precedence of Glad Tidings over Warning, Relativity.

*. **Date of Receiving:** 4 - 3 - 2023, **Date of Approving:** 11 - 1 - 2024.

1. Assistant Professor of Educational Sciences, Al-Mustafa International University. (Corresponding Author): ah.banari@gmail.com.

2. Candidate of Level Four (Ph.D.) of Comparative Exegesis of the Masoomiyeh Seminary Higher Education Institute (for Women): mz.zeaïi@gmail.com.



بررسی تقدم انذار یا تبشیر در قرآن کریم از منظر آیت الله جوادی آملی*

علی همت بناری^۱ و مرضیه ضیائی جزئی^۲



چکیده

تعلیم و تربیت با رشد و کمال انسان و زندگی شایسته او سروکار دارد. از آنجاکه انسان موجودی پیچیده است، تعلیم و تربیت او نیز پیچیده و مستلزم تمهید مقدمات و بهره‌گیری از روش‌های تربیتی است. از جمله این روش‌ها دو روش انذار و تبشیر است. پرسش اصلی آن است که آیا تقدمی بین انذار و تبشیر وجود دارد؟ آیا انذار بر تبشیر تقدم و برتری دارد یا تبشیر بر انذار تقدم و برتری دارد؟ یا اینکه دیدگاه سومی وجود دارد؟ این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، درصدد پاسخگویی به پرسش‌های فوق براساس دیدگاه تفسیری آیت‌الله جوادی‌آملی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برای هریک از این دو شواهد و ادله‌ای وجود دارد. آیات دال بر حصر در انذار، بیشتر بودن تأثیر انذار بر تبشیر، بازدارندگی انذار، بیشتر بودن بسامد واژه انذار و مشتقات آن در مقایسه با تبشیر، تقدم انذار بر تبشیر را تأیید می‌کند. شواهد و ادله‌ای چون کاربرد گسترده تبشیر و مفاهیم مفید آن در قرآن، سبقت رحمت بر غضب الهی، کاربرد بشارت قبل از انذار، آسان بودن تحقق تبشیر در مقایسه با انذار، تقدم تبشیر بر انذار را تأیید می‌کند. به نظر می‌رسد دیدگاه سومی وجود دارد و آن نسبی بودن تقدم و برتری یکی بر دیگری، برحسب شرایط و موقعیت‌های نوع افراد است. در شرایطی و برای افرادی، انذار مقدم است و در شرایطی دیگر و برای افراد دیگر، تبشیر مقدم است و این دو مکمل هم هستند.

واژگان کلیدی: انذار، تبشیر، تقدم انذار بر تبشیر، تقدم تبشیر بر انذار، نسبی بودن.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱.

۱. استادیار علوم تربیتی جامعة المصطفی ص العالمية (نویسنده مسئول): ah.banari@gmail.com.

۲. طلبه سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه س: mz.zeaii@gmail.com.



بیان مسأله

تعلیم و تربیت با رشد و کمال انسان و زندگی شایسته او سروکار دارد. از آنجا که انسان موجودی پیچیده است، تعلیم و تربیت او نیز پیچیده و مستلزم تمهید مقدمات و بهره‌گیری از روش‌های تربیتی است. از جمله این روش‌ها، دو روش انذار و تبشیر است. انذار و تبشیر دو مفهوم پربسامد در قرآن کریم است و در آیات متعدد، به‌ویژه در آیات ناظر به سیره‌هدایتی و تربیتی انبیاء الهی به کار رفته‌اند. در مورد این دو روش مهم تربیتی این بحث مطرح است که آیا تقدمی بین آن دو وجود دارد؟ کدام یک تأثیر گذارتر است؟ آیا انذار بر تبشیر تقدم و برتری دارد؟ یا تبشیر بر انذار تقدم و برتری دارد؟ در ارتباط با روش انذار و تبشیر پژوهش‌های انجام شده است. حسن گودرزی و زهره سوری در کتابی تحت عنوان «بشارت و انذار پیامبر اعظم (ص)» به نحوه استفاده از انذار و تبشیر در تبلیغ پیامبر پرداخته است. رضایانی در پایان نامه «مبانی و آثار تربیتی تقدم تبشیر بر انذار در قرآن و سنت» آورده است، یکی از این روش‌های انگیزشی، تبشیر و انذار است که بارها در قرآن رسولان را به‌عنوان مبشر و منذر معرفی می‌کند. در این نوشتار با توجه به متون تفاسیر موجود به چهار نظریه از برخی از مفسران پرداخته شده است. نظریه اول: بهره‌گیری یکسان از تبشیر و انذار؛ نظریه دوم: نسبی بودن تقدم تبشیر بر انذار یا بالعکس؛ نظریه سوم: تقدم انذار بر تبشیر؛ نظریه چهارم: تقدم تبشیر بر انذار. که در ادامه ادله این نظریه‌ها و نقد برخی از آنها پرداخته شده است. اسدالله طوسی در پایان نامه «روش‌های تربیتی انذار و تبشیر در قرآن» به مباحث زیر تعریف مفاهیم تربیت، انذار، تبشیر، پیشینه تحقیق، مبانی و اصول انسان‌شناختی انذار و تبشیر، اهمیت انذار و تبشیر در قرآن، شیوه‌های انذار و تبشیر و موانع تأثیر آنها پرداخته است. حمیدرضا یونسی و نیکو دیالمه در مقاله «انذار از روش تا اصل تربیتی» تلاش کرده است جایگاه مفهوم انذار در کاربرد تربیتی آن را از قواره یک «روش تربیتی» به میزان یک «اصل تربیتی» ارتقا دهد. عباسعلی شاملی و محمد روحانی در مقاله «جایگاه و نقش انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران؛ نگرش قرآنی پیامبران (ص)» به بررسی و تبیین اینکه انذار و تبشیر چنان از اهمیت برخوردار است که گاهی به‌عنوان ویژگی‌های جایگزین برای اصل مقام نبوت تلقی می‌شود، پرداخته است. علیرضا صادق زاده و مریم بناهان در مقاله «رویکردی تربیتی به آیات انذار و تبشیر» به بررسی مبانی و اصولی که منشأ این روش است، پرداخته است.

به نظر می‌رسد پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده است با موضوع این مقاله متفاوت است؛ چراکه در این مقاله بحث تقدم انذار بر تبشیر یا بالعکس از منظر آیت الله جوادی آملی بررسی می‌شود. عبدالله جوادی آملی از مفسران بزرگ معاصر است که سال‌ها تلاش و مجاهدت علمی خود را در

عرصه تفسیر قرآن به کار گرفته و تفسیر گرانسنگ «تسنیم» را به جهان علم و معرفت عرضه کرده است. ایشان با برخورداری از نبوغ فکری و بهره‌گیری از روش تفسیری استادش، علامه طباطبائی، بهره‌فراوانی از قرآن برده و در موضوعات قرآنی دیدگاه‌های نو و ژرفی را ارائه کرده است. ازجمله دیدگاه‌های ژرف ایشان، دیدگاه مربوط به رابطه انذار و تبشیر و تقدم یکی بر دیگری، به‌طور مطلق یا نسبی و اقتضایی است. این پژوهش درصدد است تا به این سؤال پاسخ دهد که از دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی چه نسبتی میان این دو روش تربیتی هست؟ آیا یکی بر دیگری تقدم و برتری دارد یا این دو روش مکمل هم هستند و هرکدام در جایگاه خود مهم و مؤثر است؟ برای پاسخ به این دو سؤال ابتدا مفهوم و تعریف این دو واژه به‌عنوان دو روش تربیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه دلائل و شواهد تقدم هریک بر دیگری ارائه شده، پس از نقد و بررسی آنها دیدگاه نهایی این مفسر گرانقدر در این مسئله ارائه می‌شود.

الف. مفهوم شناسی

واژه «انذار» به‌معنای هشدار، برحذر داشتن، ترسانیدن، آگاهانیدن و آماده‌ساختن کسی نسبت به عواقب امری است که در آینده رخ می‌دهد (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۰۴: ۷۹۷/۱؛ فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۱۴: ۸/۱۸۰؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ۱۴۱۶: ۵/۲۰۰؛ طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۰۳: ۳/۴۹۰؛ جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، ۱۹۵۶: ۲/۸۲۵؛ ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۱۱: ۵/۴۱۴؛ زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۱۴۲۸: ج ۷/۵۱۷؛ ازهری، تهذیب اللغة، ۱۴۲۱: ۱۴/۳۰۲؛ قریشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱: ج ۱/۴۱۷؛ مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۰: ۱۲/۷۴)

انذار در اصطلاح، آگاهی‌دادن و تهدیدکردن به عواقب سوء رفتار، گناه، معصیت و عذاب الهی تا زمینه اصلاح و تغییر رفتار در او فراهم آید (قائمی‌مقدم، روش تربیتی در قرآن، ۱۳۹۱: ۵۵/۱؛ باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۹۳: ۱/۱۸۷). انذار بیشتر جنبه هشدار و بازدارندگی برای مخاطبان دارد.

واژه «تبشیر» که معادل آن در زبان فارسی «مژده» است. به‌معنای خبردادن و اعلامی است که در آن مسرت و شادمانی باشد. از آنجاکه نخستین اثر و انعکاس خبر در چهره و صورت انسان ظاهر می‌شود، «تبشیر» نام گرفته است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۰۴: ۱/۱۲۴؛ فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۱۴: ۶/۲۵۹؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ۱۴۱۶: ۴/۵۹۰؛ طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۰۳: ۳/۲۲۱؛ جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، ۱۹۵۶: ۲/۵۹۰؛ ابن‌فارس، معجم مقاییس



اللغة، ۱۴۱۱: ۲۵۱/۱. زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۱۴۲۸: ۸۴/۶؛ ازهری، تهذیب اللغة، ۱۴۲۱: ۲۴۵/۱۱؛ قریشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱: ۱۹۲/۱؛ مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۰: ۲۷۴/۱).

تبشیر مژده دادن، نوید دادن و به سمت جلو پیش بردن است. انذار اعلام خطر کردن، هشدار دادن و موانع را گوشزد نمودن است. تبشیر، جنبه قائل را دارد؛ یعنی جلوکش، کسی که مهار شتر یا اسب را گرفته و به پیش می راند و می کشد که مردم را به کسب پاداش فرامی خواند. انذار جایگاه سائق را دارد؛ یعنی به آن که حیوان را از پشت سر می راند و به سمت و سوی جلو می کشاند، سائق گویند که در عین آنکه مردم را بیم می دهد تا از کیفر اجتناب کنند، آنها را به صراط مستقیم رهنمون می سازد (مطهری، سیری در سیره نبوی، ۱۳۶۶/۲۰۸؛ همو، مجموعه آثار، ۱۳۷۷: ۱۵۴/۱۶).

«تبشیر» در اصطلاح، آگاهی دادن و هدایت کردن به رحمت و فضل الهی و به نعمت ها و پاداش های الهی در دنیا و آخرت در برابر اطاعت و فرمانبری از دستورات خداوند؛ به بهشت جاودان و نعیم ابدی رهنمون می گردد (قائمی مقدم، روش تربیتی در قرآن، ۱۳۹۱: ۷۶/۱؛ باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۶۹/۱).

ب. ادله و شواهد تقدم انذار بر تبشیر

برای تقدم انذار بر تبشیر شواهد و ادله ای قابل ارائه است که در ذیل مورد بررسی قرار می گیرد:

۱. آیات دال بر حصر در انذار

در آیات زیادی از قرآن کریم نقش انذارگری برای پیامبر ﷺ با ادات حصر آمده است و ویژگی انذاردهندگی پیامبر ﷺ به قدری مهم است، گویا آن حضرت فقط وظیفه انذار داشته است و این نشان از اهمیت انذار دارد و با توجه به اینکه این حصر عمدتاً در خصوص انذار آمده و به تنهایی برای تبشیر نیامده می توان ادعا کرد که انذار مقدم بر تبشیر است: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد/۷)؛ «و آنها که کافر شدند می گویند: چرا آیت (و اعجازی) از پروردگارش بر او نازل نشده؟ تو تنها بیم دهنده ای، و برای هر گروهی هدایت کننده ای است.» «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مَنِ يَخْشَاهَا» (نازعات/۴۵)؛ «کار تو فقط انذار کردن کسانی است که از آن می ترسند.» «وَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ حَنَّةٍ إِنَّهُ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ» (اعراف/۱۸۴)؛ «آیا آنها فکر نکردند که هم نشینشان (پیامبر) هیچ گونه آثاری از جنون ندارد؟ او فقط بیم دهنده آشکاری است.» «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا

لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (حج/۴۹)؛ «بگو ای مردم من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم.» «إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (شعراء/۱۱۵)؛ «من تنها اندازکننده آشکاری هستم.» «قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنْذِرٌ وَمَا مِثْلِي إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (ص/۶۵)؛ «بگو من فقط یک اندازکننده‌ام و هیچ معبودی جز خداوند یگانه قهار نیست.» «إِن أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ» (فاطر/۲۳)؛ «تو فقط اندازکننده‌ای.» «قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (ملک/۲۶)؛ «بگو علم آن مخصوص خداست و من فقط بیم دهنده آشکار هستم.» (جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم هدایت در قرآن، ۱۳۸۳: ۹۹/۱۶).

۲. بیشتر بودن تأثیر انذار بر تبشیر

هرچند تبشیر یعنی وعده به رحمت و رضوان الهی و بهشت او و انذار یعنی تهدید به عذابی که از خشم خدا ناشی می‌شود، دو مرتبه از روشن‌ترین مراتب دعوت انبیاء است؛ ولی مؤثرترین راه برای دعوت اکثریت مردم به سوی رعایت دستورات الهی و اجتناب از حرمت‌شکنی خدا و قانون او، همان راه تخویف و تهدید است. انذار نقش اساسی در هدایت جامعه بشری دارد و هسته اصلی تبلیغ و هدایت پیامبران را تشکیل می‌دهد. تأثیر انذار بیش از تبشیر است؛ زیرا تبشیر بیان تشویقی است و بسیاری از مردم از بیان تشویقی طرفی نمی‌بندند؛ اما از بیان انذار متأثر شده و برحذر می‌شوند. بسیاری از انسان‌ها با بشارت صرف هدایت نمی‌پذیرند و منطلق آنان این است که نقد امروز را به نسیه فردا نمی‌فروشیم. برای نمونه چون محرک انسان مسلمان در خواندن نماز صبح خوف از جهنم است، نماز صبح را می‌خواند تا گرفتار عذاب جهنم نشود؛ ولی با اینکه برای نماز شب فضائل و ثواب‌های زیادی بیان شده و انسان‌ها به آن تشویق شده از فیض آن محروم است (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۴۰۰: ۶۰/۳۶۴؛ همو، تفسیر موضوعی قرآن کریم سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن، ۱۳۷۴: ۹/۲۲۹؛ همو، پیامبر رحمت، ۱۳۹۳/۲۳۵).

دعوت نبوت از طریق تخویف آغاز گشته و این خود در فهم عامه مردم مؤثرتر از تطمیع است. تخویف و تهدید که به حکم عقلی و وجوب دفع احتمالی، احتراز از آنچه تهدید به آن شده، واجب و آدمی به دفع آن ملزم می‌شود. مردم در گمراهی خود مقصر هستند؛ چراکه فطرت خود را پشت سرافکنده و شقاوت را بر دل خود چیره نموده و در نتیجه دچار سخط الهی شده‌اند. به همین علت حزم و حکمت اقتضا می‌کند که دعوت آنان از راه انذار و هشدار آغاز شود و به همین جهت بوده که در آیات بسیاری وظیفه آن جناب منحصر در انذار شده است (طباطبائی، تفسیر المیزان، ۱۳۷۸: ۴۰/۷).



۳. هشداردهندگی و بازدارندگی انذار

ویژگی مهم انذار، جنبه هشداردهندگی و بازدارندگی آن است. در قرآن علاوه بر ماده انذار، از مفاهیم دیگری برای بازدارندگی و هشدار استفاده شده است. از جمله مفاهیمی که قرآن کریم از آن به عنوان هشدار جدی استفاده کرده است، جهنم و عذاب اخروی است. کلمه جهنم ۷۷ بار در آیات مختلف در قالب انذار تکرار شده است (رک: جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم معاد در قرآن، ۱۳۸۷: ۳۶۵/۵). «وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (سجده/۱۳)؛ «و لیکن وعده حق و حتمی من است که دوزخ را البته از همه (کافران) جن و انس پر سازم.» «إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» (نساء/۱۴۰)؛ «و خدا منافقان را با کافران در جهنم جمع خواهد کرد.» انذار و هشدار دادن نسبت به آثار اعمال بد و زشت در آخرت و خلود و مجازات سخت و سنگین آن و شفاف سازی درباره آن و تهدید کردن تبهکاران جزء نظام خلقت و نعمت های بزرگ خداوند برای هدایت دیگران است. ابتدای سوره مدثر سخن از انذار مردم و ترساندن آنان از آتش جهنم است «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ» (مدثر/۱-۲)؛ «الا ای رسولی که خود را به لباس (حیرت و فکرت) در پیچیده ای. برخیز و به اندرز و پند، خلق را خدا ترس گردان؛ زیرا مهم ترین عامل تربیت انسان عقیده او به جهان پس از مرگ و حسابرسی در قیامت است. بیشتر مردم جز با ترس از آتش و عذاب الهی هرگز اصلاح نمی شوند. بیشتر انسان ها بر اثر خوف و هراس از جهنم بر صراط ایمان و تقوا پایدارند (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۱: ۴۴۸/۲). اگر مردم از دوزخ بترسند مرتکب و آلوده گشایی نشده و از چیز دیگری نمی ترسند، ولی بشر اگر از پایان زشت تبهکاری و کیفر جهنم نترسد، به هر کاری دست می زند. طبعاً گرفتار شهوت و در اثر آن، به لغزش، سقوط و غلبه شقاوت و نزول سخط الهی فراهم می آید. در نتیجه به کمال نمی رسد که هدف آفرینش است. لذا حکمت خدا اقتضاء می کند که دعوت آنان از راه انذار و هشدار آغاز شود نه بشارت (جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم قرآن در قرآن، ۱۳۸۸: ۲۴۴/۱؛ همو، تفسیر موضوعی قرآن کریم هدایت در قرآن، ۱۳۸۳: ۱۶/۱۷۰). عذاب و ترس برای آن است که به راه بیانند؛ مثل اینکه اگر کسی را خواستند به کمالات علمی و عمل صالح تربیت کنند، اول او را از زشتی ها، بدیها، اعتیاد و بیراهه رفتن ها پرهیز می دارند. می گویند آن کارها ضرر دارد. این انذار برای نجات از تباهی است نه برای رسیدن به کمال. برای کمال تبشیر لازم است نه اینکه اگر به کمال نرسیدی تو را جهنم می بریم. می گویند گناه نکن که به جهنم می روی، پس انذار برای پرهیز از گناه است، تبشیر برای نیل به تکامل است، وگرنه تربیت که با زور و کوشش و جهنم بردن نمی شود (همو، تفسیر تسنیم، ۱۳۹۹: ۳۵۶/۵۵).

جامعه بیش از بشارت نیاز به انذار دارد و خطرات و آفات مسیر تکاملی انسان را باید بیشتر مورد تذکر و تأکید قرار داد تا انسان از مسیرهدایت و عبادت الهی غافل نشود و طی طریق در مسیر حرکت الهی را همواره حفظ کند (همو، تفسیر تسنیم، ۱۳۹۱: ۱۰/۳۹۵).

۴. بیشتر بودن بسامد واژه انذار و مشتقات آن در مقایسه با تبشیر

قرآن کریم آیات فراوانی را به انذار و تبشیر اختصاص داده است. در هیچ صفحه‌ای از قرآن نیست که در آن انذار یا تبشیر به کار برده نشده باشد. با بررسی بسامد این دو واژه در قرآن معلوم می‌شود که تعداد ۹۰ آیه وجود دارد که واژه انذار به تنهایی آمده است در حالی که فقط تعداد ۲۹ آیه وجود دارد که واژه بشارت به تنهایی آمده که اتفاقاً ۸ مورد آن بشارت به عذاب است که در حقیقت انذار است. تعداد ۲۰ آیه نیز وجود دارد که واژه بشارت و انذار با هم آمده است. همان طور که ملاحظه می‌شود درصد کمی انذار نسبت به تبشیر به مراتب، بیشتر است.

ج) ادله و شواهد تقدم تبشیر بر انذار

در این بخش از مقاله ادله و شواهد دال بر تقدم تبشیر بر انذار ارائه می‌شود:

۱. کاربرد گسترده تبشیر و مفاهیم مفید آن در قرآن

هرچند بنابر آنچه در شواهد و ادله تقدم انذار بر تبشیر آمده است بسامد واژه تبشیر و مشتقات آن در مقایسه با انذار کمتر است؛ اما مفاهیمی کلیدی و اساسی غیر از ماده بشارت نیز برای افاده معنای تبشیر به کار رفته است. توضیح آنکه کاربری‌های مفهوم تبشیر در قرآن کریم، دو گونه است: گونه اول: به مواردی اختصاص دارد که در آنها تبشیر و مشتقات آن، به طور صریح به کار رفته است؛ مانند «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ» (بقره/۲۵)؛ «وَمُزَّةٌ دِه كَسَانِي رَا كِه اِيْمَان اَوْرَدَنْد و نِيكوْكَاري پيشه كَرْدَنْد كِه جايگاه آنان باغ‌هایی است.» «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ اَنْ يَغْبُدُوْهَا وَاَنَابُوْا اِلَى اللّٰهِ لَهُمُ الْبُشْرٰى» (زمر/۱۷)؛ «و آنان كه از پرستش طاغوت دوری جستند و به درگاه خدا با توبه و انابه باز گشتند آنها را بشارت و مژده رحمت است، (ای رسول) تو هم بندگان مرا (به) لطف و رحمت من) بشارت ده.»

گونه دوم: مواردی است که بدون کاربرد واژه تبشیر یا مشتقات آن عملاً بر تبشیر دلالت دارد. گاهی دیده می‌شود که قرآن واژه تبشیر و مشتقات آن را به کار نمی‌برد؛ اما از محتوا و مفهوم آن‌ها معنای تبشیر برداشت می‌شود؛ آياتی كه دال بر رحمت الهی است و کاربرد گسترده‌ای در قرآن دارد، از این قبیل است.



۲. سبقت رحمت بر غضب الهی

در آیات قرآن همواره این معنا مورد تأکید است که رحمت الهی بر غضبش تقدم دارد و سبقت رحمت خدا بر غضب آن، اصل مفروغی است. در اینکه رحمت خدا چندین برابر غضب اوست، آیات و روایات فراوانی دلالت بر این مسئله دارد (جوادی آملی، تفسیر سوره تحریم، جلسه ۷ (۱۳۹۷/۰۸/۰۱)).

خداوند سبحان دارای اسمای حسناى فراوان است و آن اسماء درجات متفاوت دارند. در اسمای فعلی خداوند، رحمت بیکران او صبغه رهبری نسبت به سایر اسماء را بر عهده دارد «و أنت الذی تسعی رحمته امام غضبه» «سبقت رحمته غضبه»، معنای سبقت رحمت خدا بر غضب او این است رحمت حق تعالی همواره بر غضبش «تقدم» دارد. رحمت الهی، امامت غضب را برعهده دارد و غضب، مأموم رحمت است. غضب او به زعامت رحمت وی ظهور می کند. برنامه خداوند بر «تقدیم» مهر بر قهر است. نه اینکه خط رحمت بیش از خط غضب است. رحمت او بیش از غضب وی و پیش از آن جلوه می کند؛ رحمت خدا سابق بر غضب اوست. در واقع «اصل حاکم» در نظام اسلامی همان سبقت رحمت بر غضب است (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۵: ۷۱۳/۱۱). اصل اولی در برخوردهای دینی همان رحمت و نرمش است و برخوردهای تند و خشن از باب «آخر الدواء الکی» در پایان مرحله اصلاح و آخرین داروی درمان خواهد بود (همو، تفسیر تسنیم، ۱۳۹۶: ۵/۳۸۶).

۳. کاربرد بشارت قبل از انذار

با وجود ذکر توأمان بشارت و انذار در قرآن کریم، در اکثر آیات قرآن حتی لفظ بشارت مقدم بر لفظ انذار به کار رفته است و خود این تقدم صوری در لفظ از سوی متکلم حکیم خالی از نکته و اشاره نیست که همان تقدم روش دعوت به بشارت بر انذار است و پیامبران الهی پیش از آنکه منذر باشند، مبشرند، این است که رحمت خدای متعال بر عذاب و غضب او پیشی گرفته است (همو، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۹: ۴۱۵/۲۲).

۴. آسان بودن تحقق تبشیر در مقایسه با انذار

گرچه تبشیر و انذار هر دو لطیفه رسولان الهی عالمان دین است، ولی شرایط انذار بسی دشوارتر از لوازم تبشیر است و هرکس تا حدودی می تواند مبشر باشد، ولی کسی می تواند منذر باشد که خودش از خطر متوقع ترسیده و آثار آن ترس در سخن و عملش جلوه گر باشد، همان گونه که پیامبر اسلام ﷺ هنگامی که از قیامت خبر می داد رنگ رخسارش دگرگون می شد (همو، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۱: ۲/۲۱۶).

۵. تقدم پیشگیری (تبشیر) بر درمان (انذار)

مفسر بزرگ اهل سنت، فخر رازی در تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌گوید: در این آیه، واژه «مبشرین» پیش از «منذرین» آمده است؛ زیرا تبشیر بسان پیشگیری از بیماری است، درحالی‌که انذار همانند بیماری پس از وقوع آن است. بی‌تردید همیشه، تبشیر و پیشگیری پیش از درمان ایفای نقش می‌کند (فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۶ / ۳۷۵)، و همین راز تقدم بشارت بر انذار است (جوادی‌آملی، تفسیرتسنیم، ۱۳۹۱: ۱۰ / ۳۹۵).

د) تحلیل و بررسی ادله و شواهد تقدم انذار بر تبشیر یا بالعکس و ارائه دیدگاه نهایی

با تأمل در ادله و شواهد تقدم هریک از انذار و تبشیر معلوم می‌شود که هریک از این ادله و شواهد به‌جای خود صحیح و بهره‌ای از صواب دارد و این وضعیت حکم قاطع و مطلق به تقدم یکی بر دیگری را با چالش مواجه می‌سازد. ازاین‌رو می‌بایست با تأمل بیشتری در مسئله تقدم یکی بر دیگری نگریست. در یک تحلیل می‌توان گفت که قرآن کتاب هدایت و تربیت انسان است و روش تربیتی انذار و تبشیر را متناسب با واقعیت‌های مربوط به انسان به‌عنوان متربی در نظر می‌گیرد. یکی از واقعیت‌های مربوط به انسان، امر تفاوت‌های فردی در ابعاد و ساحت‌های مختلف است. انسان‌ها به‌لحاظ استعداد، علائق و انگیزش‌ها، باورها و عادت‌ها متفاوت هستند و در نتیجه در مواجهه با عوامل تربیتی و بهره‌گیری از شیوه‌های تربیتی، تأثیرپذیری یکسانی ندارند و ب‌حسب نوع عوامل و روش‌ها، میزان و مرتبه تأثیرپذیری آنان متفاوت است. علاوه بر این‌ها هر انسانی ممکن است در شرایط و حالات مختلف روحی، روانی و ذهنی و نیز در مقاطع مختلف سنی وضعیت تأثیرپذیری متفاوتی داشته باشد. این واقعیت اقتضا می‌کند که خداوند در کتاب هدایت و تربیت خود برای تربیت آنها شیوه‌های متفاوت و متنوع عرضه کند. در قرآن دو روش انذار و تبشیر به‌لحاظ معنا و محتوایی که دارند به نحوی ناظر به این واقعیت در متربی‌ها ارائه شده‌اند؛ زیرا برخی انسان‌ها به‌لحاظ شرایطی که دارند ممکن است از شیوه انذار تأثیرپذیری بیشتری داشته باشند و برخی از شیوه تبشیر. حتی ممکن است فردی در شرایطی تحت تأثیر شیوه تشویق قرار گیرد و همان فرد در شرایط دیگری تحت تأثیر شیوه انذار واقع شود. برای مثال در دوره کودکی، انسان چندان آمادگی شیوه تهدید و انذار را ندارد؛ اما در دوره جوانی و میانسالی این آمادگی بیشتر خواهد بود (جوادی‌آملی، تفسیرتسنیم، ۱۳۹۱: ۱۰ / ۳۹۴؛ مصباح‌یزدی، معارف قرآن ۶، قرآن‌شناسی، ۱۳۷۶: ۵۳/۱؛ علوی مهر، مبانی و روش‌های تربیتی سوره قیامت، ۱۴۰۰: ۳۵-۵۷؛ خوش‌فر و ناصری، الگوی تربیتی سوره حدید با محوریت تفسیر المیزان، ۱۴۰۰: ۵۸-۸۸؛ ریاحی مهر و سپهری‌فرد، نقش تربیتی سنت‌های الهی در سوره عنکبوت، ۱۴۰۱: ۲۴۰-۲۵۸)، بنابراین در تقدم انذار و تبشیر بر یکدیگر دیدگاه نسبت به صواب نزدیک‌تر است.



در قرآن به این امر توجه شده است. بر همین اساس آیات انذار در شروع نزول قرآن کریم بر آیات تبشیر غلبه داشت. غالباً آیاتی که بهشت و جهنم را توصیف می‌کنند، در سوره‌های مکی قرار دارند. مردم مکه در زمان بعثت، مشرک، لجوج و... بودند که با توجه به آن فرهنگ بهتر بود که انذارهای کوبنده در رأس برنامه باشد، از این رو در برخی موارد مانند سوره مدثر، انسان، الرحمن و... آیاتی که جهنم را توصیف می‌کنند مقدم بر آیات بهشتی آمده‌اند. علت اینکه در اکثر سوره‌های قرآن، ابتدا توضیح جهنم و سپس توصیف بهشت آمده، این است که اجتناب اکثر مردم از گناهان و محرمات برای این نیست که از نعمت‌های بهشت لذت ببرند؛ بلکه برای ترس از جهنم است که در آینده گرفتار عذاب الهی نگردند (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۹۰: ۸۲/۱۷).

نسبی بودن به این معناست که یک واقعیت با شرایط گوناگون به صور مختلفی مفهوم می‌شود (همو، شریعت در آینه معرفت، ۲۸۲/۱۳۹۲). دیدگاه نسبی بودن انذار و تبشیر یعنی اینکه دو شیوه تربیتی انذار و تبشیر متناسب شرایط با در نظر گرفتن تفاوت‌ها در ظرفیت، روحیه، استعداد، نیازهای روانی و علائق و شخصیت و تربیت و فرهنگ و... مخاطبان و متریان حکم متفاوت دارد. تبشیر در افراد آماده‌تر (مؤمنان) اثر می‌گذارد؛ در حالی که اثر انذار در آنان که آلوده‌ترند (کافران) بیشتر است. جریان ضرورت اهل عبادت از یک سو و ضرورت انحصار آن در پیشگاه خدای سبحان از سوی دیگر، مبین محدوده انذار و تبشیر است؛ یعنی انذار درباره کسی است که یا ملحد و بی‌عبادت است؛ یا مشرک که فقط غیر خدا را می‌پرستد؛ یا ریاکار که غیر خدا را هم پرستش می‌کند و تبشیر درباره کسی است که عبادت دارد و معبود او فقط خداست، به طوری که غیر خدا اصلاً برای وی معبود و شریک در عبودیت نیست (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۹۴: ۳۷/۴۹۴).

راز تقدم بشارت بر انذار در تقدم رحمت الهی بر غضب او از یک سو و اصل رجحان اصل سلامت بر زوددن بیماری از سوی دیگر نهفته است. «سبحان الذی سبقت رحمته غَضَبَهُ» که در این صورت به لحاظ تشریع الهی است؛ ولی تقدیم انذار بر تبشیر: «إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» به لحاظ حال بندگان از منظر دیگر است، چون بسیاری از مردم به وسیله ترس از دوزخ اصلاح می‌شوند.

مسئله تخویف و تبشیر در قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام فراوان است؛ اما نسبت به افراد ضعیف، مرحله نهایی و نسبت به افراد متوسط، مقدمه و وسیله است. تا انسان در اوایل، از راه تنبیه و تشویق و کم‌کم بر اساس تحبیب حرکت کند (جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم مراحل اخلاق در قرآن، ۱۳۸۶: ۳۳۲/۱۱)، در طلیعه سلوک با سائقه هراس از دوزخ دستور دینی را اطاعت می‌کردند و در میانه راه با جاذبه امید به بهشت و در پایان راه به برتر از خوف و رجاء می‌اندیشند و به عبادت احرار روی

آوردند و حباً و شکرأً خدای سبحان را می پرستند. آنگاه آزاد از هراس دوزخ و امید بهشت خداوند را عارفانه و عاشقانه می پرستند. درجات بلند محبت خدا را نیز تحصیل کند (همو، تفسیر موضوعی قرآن کریم هدایت در قرآن، ۱۳۸۳: ۱۰۵/۱۶).

نتیجه

درباره نسبت و رابطه میان انذار و تبشیر این سوال مطرح است که بنابر دیدگاه آیت الله جوادی آملی کدام یک مقدم و کدام یک موخر است؟ در ابتدای امر برای تقدم هریک بر دیگری ادله و شواهدی قابل ارائه است که در این مقاله ارائه شده است؛ اما از بیانات آیت الله جوادی آملی در آثار مختلف تفسیری شان، به ویژه تفسیر «تسنیم» دیدگاه دیگری قابل ارائه است و آن دیدگاه نسبی بودن تقدم یکی بر دیگری و تلفیق و مکمل هم بودن این دو است. وجه این دیدگاه آن است که برای هریک از گزینه تقدم یکی بر دیگری به ادله و شواهد قابل اتکایی وجود دارد و هریک بر ظاهر آیات، قابل حمل بوده است، از این رو می بایست برای رفع تنافی میان آنها کوشید و به گونه ای میان آنها جمع کرد. با درنگ در عبارت ها و مضامین آموزه ها روشن می شود هر دسته از آنها، ناظر به موردی خاص هستند و می توان به هر دسته، در مورد خاص خود عمل کرد، بنابراین دیدگاه نسبی بودن بر دو پایه استوار است: نخست، دلایلی که بر لزوم تقدم انذار بر تبشیر دلالت می کند؛ دوم، دلایلی که بر لزوم تقدم تبشیر بر انذار دلالت می کند. استفاده از انذار و تبشیر مبتنی بر اصل عدل است. ایجاد تعادل بین انذار و تبشیر لازمه اش این نیست که به همان اندازه که بشارت می شود، انذار هم صورت بگیرد؛ بلکه ممکن است برای اینکه در فردی این تعادل ایجاد شود، نیاز باشد که انذار از بشارت پیشی بگیرد. یا بشارت از انذار پیشی بگیرد. انذار و تبشیر دو مرحله در طول یکدیگرند. این دو هر چند در ظاهر معانی ممتاز از یکدیگر دارند؛ اما در نسبت با همدیگر معنا می دهند. در حقیقت انسان را به یک هدف می رسانند. در واقع انذار و تبشیر اجزای یک منظومه هماهنگ و منسجم تربیت را تشکیل می دهند؛ بنابراین میان انذار و تبشیر در یک ارتباط تنگاتنگ و طولی و مکملی وجود دارد. انذار و تبشیر دو روی یک سکه اند. تحقق تبشیر متأخر وجودی از تحقق انذار است. رتبه تبشیر بعد از خوف است. انذار زمینه ساز و مقدمه تبشیر است تا زمانی که انذار پذیرفته نشود، تبشیر فعال نمی شوند. تا جایی که نهایتاً عالی ترین درجه انذار، منتج به عالی ترین درجه تبشیر می گردد. انذار مناسب آغاز دعوت و در ابتدای راه است؛ ولی در ادامه نیاز به تبشیر است.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، قم: المصطفی، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۱.
۳. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶.
۴. ازهری، محمدبن احمد، تهذیب اللغة، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۱.
۵. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، تهران، چاپ سی و هشتم، ۱۳۹۳.
۶. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، (جلد ۱)، علی اسلامی، قم: اسراء، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۵.
۷. _____، تفسیر تسنیم، (جلد ۵)، احمد قدسی، قم: اسراء، چاپ هشتم، ۱۳۹۶.
۸. _____، تفسیر تسنیم، (جلد ۱۰)، سعید بندعلی، قم: اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
۹. _____، تفسیر تسنیم، (جلد ۱۷)، حسین اشرفی، عباس رحیمیان، قم: اسراء، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
۱۰. _____، تفسیر تسنیم، (جلد ۲۲)، محمدفراهانی، حسین شفیعی، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
۱۱. _____، تفسیر تسنیم، (جلد ۳۷)، محمد ربیع میرزایی، حسین شفیعی، قم: اسراء، ۱۳۹۴.
۱۲. _____، تفسیر تسنیم، (جلد ۵۵)، سعید بندعلی، اسراء، قم: ۱۳۹۹.
۱۳. _____، تفسیر تسنیم، (جلد ۶۰)، احمد قدسی، روح الله رزقی شهرودی، قم: اسراء، ۱۴۰۰.
۱۴. _____، تفسیر سوره تحریم، جلسه ۷، (۱۳۹۷/۰۸/۰۱)، www.esra.ir.
۱۵. _____، تفسیر موضوعی قرآن کریم، (جلد ۱)، قرآن در قرآن، محمد محرابی، قم: اسراء، چاپ هشتم، ۱۳۸۸.
۱۶. _____، تفسیر موضوعی قرآن کریم، (جلد ۵)، معاد در قرآن، علی زمانی قمشه-ای، قم: اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
۱۷. _____، تفسیر موضوعی قرآن کریم، (جلد ۹)، سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن، حسین شفیعی، قم: اسراء، ۱۳۷۴.

۱۸. _____، تفسیر موضوعی قرآن کریم، (جلد ۱۱)، مراحل اخلاق در قرآن، علی اسلامی، قم: اسراء، چاپ هفتم. ۱۳۸۶.
۱۹. _____، تفسیر موضوعی قرآن کریم، (جلد ۱۶)، هدایت در قرآن، علی عباسیان، قم: اسراء، ۱۳۸۳.
۲۰. _____، شریعت در آینه معرفت، تحقیق: حمید پارسانیا، اسراء، قم: چاپ هفتم، ۱۳۹۲.
۲۱. _____، پیامبر رحمت، محمد کاظم بادپا، اسراء، قم: چاپ چهارم، ۱۳۹۳.
۲۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و الصحاح العربیه، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۵۶.
۲۳. خوش فر، محسن؛ ناصری، بهجت، الگوی تربیتی سوره حدید با محوریت تفسیر المیزان، دوفصلنامه قرآن و علم، دوره ۱۵، شماره ۲۸، ۱۴۰۰.
۲۴. رازی، ابو عبد الله فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، تهران: مرتضویه، ۱۴۰۴.
۲۶. ریاحی مهر، باقر؛ سپهری فرد، حسین، "نقش تربیتی سنت های الهی در سوره عنکبوت"، دوفصلنامه قرآن و علم، دوره ۱۶، شماره ۳۱، ۱۴۰۱.
۲۷. زبیدی، سید مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۸.
۲۸. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.
۲۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۳۰. علوی مهر، حسین، مبانی و روش های تربیتی سوره قیامت، دوفصلنامه قرآن و علم، دوره ۱۵، شماره ۲۸، ۱۴۰۰.
۳۱. فراهیدی، عبد الرحمن خلیل بن احمد، العین، اسوه، قم: ۱۴۱۴.
۳۲. قائمی مقدم، محمدرضا، روش تربیتی در قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۹۱.
۳۳. قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ ششم، ۱۳۷۱.
۳۴. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن ۶ قرآن شناسی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم: ۱۳۷۶.



۳۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران: ۱۳۶۰.
۳۶. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، صدار، تهران: ۱۳۶۶.
۳۷. _____، مجموعه آثار، صدار، فجر، تهران: چاپ دوم. ۱۳۷۷

Resources

1. *Quran Karim (The Noble Quran)*, Tarjome: Mohammad Ali Rezaei Esfahani va Jami'i az Asatid Jami'at al-Mustafa (Translation: Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors from Al-Mustafa Univeristy), Qom: al-Mustafa, 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
2. Alavi-Mehr, Hossein, "*Mabani va Ravesh-haye Tarbiyati Surah Qiyamat*" (*Foundations and Methods of Education in Surah Qiyamat*), Biannual Journal of Quran and Science, Vol. 15, No. 28, 1400 SH (2021 CE).
3. Azharī, Mohammad bin Ahmad, *Tahdhīb al-Lughah (Refinement of Language)*, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, 1421 AH (2001 CE).
4. Bagheri, Khosrow, *Negahi Dobareh be Tarbiyat-e Islami (A New Look at Islamic Education)*, Cultural Institute of Burhan Seminary School, Tehran, 38th Edition, 1393 SH (2014 CE)
5. Farahidi, Abdulrahman Khalil bin Ahmad, *Al-Ayn*, Osveh, Qom: 1414 SH (1993 CE).
6. Ibn Faris, Abu al-Hossein Ahmad, *Mu'jam Maqayis al-Lughah (Dictionary of the Measures of Language)*, Beirut: Dar al-Jayl, 1411 AH (1990 CE).
7. Ibn Manzur, Mohammad bin Makram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, 1416 AH (1995 CE).
8. Jawadi Amoli, Abdullah, *Payambar Rahmat (The Prophet of Mercy)*, Mohammad Kazem Badpa, Qom: Esra, 4th Edition, 1393 SH (2014 CE).
9. Jawadi Amoli, Abdullah, *Shari'at dar Ayneh Ma'arif (Shari'a in the Mirror of Knowledge)*, Edited by Hamid Parsania, Qom: Esra, 7th Edition, 1392 SH (2013 CE).
10. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Surah Tahrim*, Session 7, (01/08/1397 SH) (August 23, 2018 CE). Available at: www.esra.ir
11. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (Tasnim Commentary)*, Vol. 1, Ali Islami, Qom: Esra, 12th Edition, 1395 SH (2016 CE).
12. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (Tasnim Commentary)*, Vol. 10, Saeed Bandali, Qom: Esra, 4th Edition, 1391 SH (2012 CE).
13. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (Tasnim Commentary)*, Vol. 17, Hossein Ashrafi, Abbas Rahimian, Qom: Esra, 3rd Edition, 1390 SH (2011 CE).
14. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (Tasnim Commentary)*, Vol. 22, Mohammad Farahani, Hossein Shafiei, Qom: Esra, 1389 SH (2010 CE).
15. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (Tasnim Commentary)*, Vol. 37, Mohammad Rabi' Mirzaei, Hossein Shafiei, Qom: Esra, 1394 SH (2015 CE).
16. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (Tasnim Commentary)*, Vol. 5, Ahmad Qudsi, Qom: Esra, 8th Edition, 1396 SH (2017 CE).



17. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (Tasnim Commentary)*, Vol. 55, Saeed Bandali, Qom: Esra, 1399 SH (2020 CE).
18. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (Tasnim Commentary)*, Vol. 60, Ahmad Qudsi, Ruhollah Rozqi Shahrudi, Qom: Esra, 1400 SH (2021 CE).
19. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir-e Mavzui-e Quran Karim (Thematic Commentary on the Holy Quran)*, Vol. 1, Quran in Quran, Mohammad Mehrawi, Qom: Esra, 8th Edition, 1388 SH (2009 CE).
20. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir-e Mavzui-e Quran Karim (Thematic Commentary on the Holy Quran)*, Vol. 5, Resurrection in Quran, Ali Zamani Qomshaei, Qom: Esra, 4th Edition, 1387 SH (2008 CE).
21. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir-e Mavzui-e Quran Karim (Thematic Commentary on the Holy Quran)*, Vol. 9, The Sirah of the Prophet Mohammad (SAW) in Quran, Hossein Shafiei, Qom: Esra, 1374 SH (1995 CE).
22. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir-e Mavzui-e Quran Karim (Thematic Commentary on the Holy Quran)*, Vol. 11, Stages of Morlaity in Quran, Ali Islami, Qom: Esra, 7th Edition, 1386 SH (2007 CE).
23. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir-e Mavzui-e Quran Karim (Thematic Commentary on the Holy Quran)*, Vol. 16, Guidance in Quran, Ali Abbassian, Qom: Esra, 1383 SH (2004 CE).
24. Jawhari, Ismail bin Hamad, *Al-Sihah: Taj al-Lughah wa al-Sihah al-Arabiyyah (The Sihah: The Crown of the Language and the Correctness of the Arabs)*, Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin, 1956 CE.
25. Khushfar, Mohsen; Naseri, Behjat, "Olguye Tarbiyati Surah Hadid ba Mahwariyat Tafsir al-Mizan" (Educational Model of Surah Hadid with Focus on the Interpretation of al-Mizan), Biannual Journal of Quran and Science, Vol. 15, No. 28, 1400 SH (2021 CE).
26. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, *Ma'arif Quran 6: Quran-Shenasi (Quranic Knowledge 6: Quranology)*, Institute for Educational and Research Institute of Imam Khomeini, Qom: 1376 SH (1997 CE).
27. Motahhari, Morteza, *Majmueh Asrar (Collection of Works)*, Sadra, Fajr, Tehran: 2nd Edition, 1377 SH (1998 CE).
28. Motahhari, Morteza, *Siri dar Seerah Nabavi (A Glimpse at the Prophetic Sirah)*, Sadra, Tehran: 1366 SH (1987 CE).
29. Mustafavi, Hasan, *Al-Tahqiq fi Kalam al-Quran al-Karim (Research on the Words of the Noble Quran)*, Translation and Publishing Institute, Tehran: 1360 SH (1981 CE).
30. Qaemi-Moqaddam, Mohammad Reza, *Ravesh Tarbiyati dar Quran (Educational Methods in the Quran)*, Research Institute of Seminary and University, Qom: 1391 SH (2012 CE).



31. Qarashi, Seyyed Ali Akbar, *Qamus Quran (Dictionary of the Quran)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 6th Edition, 1371 SH (1992 CE).
32. Raghīb Isfahani, Hossein bin Mohammad, *Mufradat fi Gharib al-Quran (Vocabulary in the Strange Parts of the Quran)*, Tehran: Morteza'viyeh, 1404 SH (2023 CE).
33. Razi, Abu Abdullah Fakhr al-Din Mohammad bin Umar, *Mafatih al-Ghayb (Keys to the Unseen)*, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, 3rd Edition, 1420 AH (1999 CE).
34. Reyahi-Mehr, Baqer; Sepehri-Fard, Hossein, "Naqsh Tarbiyati Sunan-e Ilahi dar Surah Ankabut" (*The Educational Role of Divine Traditions in Surah Ankabut*), Biannual Journal of Quran and Science, Vol. 16, No. 31, 1401 SH (2022 CE).
35. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, *Tafsir al-Mizan (The Mizan Commentary)*, Qom: Office of Islamic Publications of the Society of Seminary Teachers, 5th Edition, 1378 SH (1999 CE).
36. Tuhayri, Fakhr al-Din, *Majma' al-Bahrain (The Confluence of the Two Seas)*, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, 1403 SH (1983 CE).
37. Zabidi, Seyyed Murtadha, *Taj al-Arous min Jawahir al-Qamus (The Crown of the Bride from the Jewels of the Dictionary)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1428 AH (2007 CE).